

گشایش دعای یکشنبه عید پاک (ایستر)

تری گری (Terry Grey) | آوریل 2020

برگرفته از منتخبی از متون قرآنت شده از اناجیل متی (متیو) 10:1-28 یا یوحنا (جان) 1:18-20

از زمان رویدادهای جمعه، صلیب همچنان محکم در ته دل هایمان فرود آمده است، با این وجود حتی اکنون، سه روز پس از آن، بویی از مرگ باقی نمانده است.

به امید خدای عید پاک، نکهت خوش زندگی هوا را آکنده زیرا وفای عشق شما ابدی است!

ما، که در جا و مکان های متفاوتی پراکنده ایم همه یکی هستیم،
و عظمت و وسعت زیبایی ات ما را سراسیمه کرده است.
عشقی که همه را به مخاطره افکنده
در مواجهه با رد آن کسی که
زندگی ات را فدای او کرده ای.
با این وصف تو نجات دهنده آنان
و نجات بخش ما شده ای.

دستان تو بر روی صلیب پهنه وسیعی را پوشانده
نه به علت زنگ زدگی ناخن ها،
بلکه به علت آنکه
از طریق مرگ خویش جهانیان را
در آغوش گرفته ای.

با این وصف ما، مردمانت، هر جا که باشیم دیدن این پس از مرگ زنده شدن ات در یکشنبه ما را غوطه
ور در انتظار می نماید.

مسیحا، تمنای ما سهیم شدن در زندگی پس از مرگ تو است.
نه برای نجات جان خودمان، بلکه به این علت که آمده ایم تا بیاموزیم که تو زندگی را چنان طرح کرده
ای که جامعه گرا باشیم نه خود محور.

ما دوست داریم که سهمی در زندگی پس از مرگ ات داشته باشیم چون در جهانی زندگی می کنیم که
به طور فزاینده ای محل ترس، غصه و ناامیدی است.

ما از جمله رستخیز کنندگان، دو مرتبه خود را فدای عشق بی پایان تو نمودیم تا اینکه جهان بشناسد که
افراد کلیسای تو مردمان رستخیز تو هستند.

به چشم ما این چیز شگرفی است، چون می فهمیم که این کار تو است.

به نام مسیح، از طریق روح القدس دعا می کنیم. آمین

پیام عید پاک (ایستر)

یوحنا (جان) 18:20
عید پاک (ایستر) روز یکشنبه 12 آوریل 2020

آیا هرگز فکر کرده اید: "عجبا، آیا این فرصتی است که از دست داده ام؟" شاید این فرصتی باشد تا با دوستی که مدت مدیدی است گم کرده اید پیوند برقرار کنید، یا فرصتی برای کوه نوردی، یک معامله با تخفیف عمده یا حضور در یک رویداد عمده را داشته باشید. امروز فرصت های بالقوه از دست رفته در رابطه با مریم در جستجوی مسیح را مورد توجه قرار می دهیم.

زندگی مریم مجدلیه در نتیجه رابطه با مسیح دگرگون شد. این کتاب مقدس به ما می گوید که او در یک پگاه در مسیر یک رفتن به سر قبری بود. اشاره انجیل یوحنا به آن هنوز تیره و تار است. او قصد داشت بدن خود را تدهین نماید، تا با کسی که زندگی او را دگرگون کرده و به او نوید آینده ای را داده بود آخرین معاشقه را داشته باشد.

او پیاده به سمت محلی مربوط به مرگ، محلی همراه با سوگواری و اندوه روان بود. او این کار را در تاریکی می کرد، که نمادی از شب سوگواری بود و این تاریکی درک بی نور او بود. همانطور که در تاریکی پیاده می رفت آگاهی کمی از آنجا داشت و در تاریکی به سمت محلی می رفت که طبق رسم معمول سوگوارانه بود - جهان او داشت هوشمندانه با نور زنده شدن واقعی مسیح پس از مرگ روشن می شد.

در این چند ساعت بعدی فرصت های متعددی در اختیار مریم بود تا این واقعیت را احساس نماید. من چهار فرصت را برای احساس واقعیت مریم می بینم: جسدی که دنبال یافتن و دیدنش بود دیگر بدن نبود بلکه یک نجات بخش زنده شده پس از مرگ بود.

حتی امروز، خداوند در عین مهربانی، به ما فرصت های گوناگونی را هدیه می نماید تا ژرفا و وسعت آنچه که به معنی زندگی در واقعیت حضور مسیح زنده شده پس از مرگ است را عطا نماید. چند مرتبه، مانند مریم ما این فرصت ها را از دست می دهیم تا ما را به حضور یک نجات دهنده زنده رهنمون شود چون ما به دنبال چیز اشتباهی هستیم یا به این علت که ما در گیر پیکار با وضعیت و نگرانی های خودمان هستیم.

مریم متوجه سنگ برگردان و دور شده قبر نشد. مریم به دنبال بدن است. او مرگ مسیح را دیده بود. و اینکه کجا مسیح را در قبر گذاشته اند. برگردانی و دور کردن سنگ قبر به آن معنی بود که جسد را از آنجا برداشته بودند. گزینه دیگری به نظر او نرسید.



برخی اوقات ما شاید به دنبال یک پاسخ از خداوند هستیم و پاسخ را که به دعا یا نیازهای مان می دهد نمی بینیم چون از انتظارات ما بیرون است.



فرصت دوم از دست رفت چون به نظر رسید که حواریون، وقتی مریم به آنها گفت که سنگ قبر به بیرون غلتانده شده، آنچه در ذهن داشتند پس از ورود به قبر با او در میان نگذاشتند. ما می خوانیم که پطرس و یوحنا با سرعت به سوی قبر شتافتند و در آنجا کشف کردند که کفن به دقت و به شیوه ای تا شده بود که آن ها را شگفت زده کرد - چه بسا رمزی، که هنوز کشف نشده است. به نظر معنی نمی دهد که مشاهدات آنان از غیر عادی بودن شیوه ای که لباس ها در آنجا گذاشته شده بود، باعث شود که چنان چیزی را حواریون به مریم بگویند.

برخی از اوقات مردم ممکن است خبرهای خوب از یک نجات دهنده زنده را به این علت از دست دهند که ما به جای سخن گفتن سکوت می کنیم. حتی موقعی که ما پاسخ روشنی نداریم، ورود ما در کشمکش با دیگران برای بیان ایمان در وضعیت های دشوار می تواند به دیگران اشاره ای به نجات دهنده ای مهربان و زنده باشد.



فرصت سوم برای مریم وقتی پیش آمد که به دنبال قبر بود. دو فرشته اکنون حضور دارند و از او می پرسند چرا می گردید. به دلیل سوگواری و ناتوانی دیدن چیزی به جز اینکه کالبد مسیح در قبر نبود، این پیام آوران نور هیچ اثری بر او نداشتند. مریم لحظه ای را در مواجهه با این دو فرشته که با وی در حال گفتگو بودند از دست نمی دهد، ولی متمرکز بر یافتن کالبد مسیح است، تا بدن خود را عطرآگین نموده و سوگواری خود را تسکین دهد.

برخی از اوقات مانند هنگامی است که خدا برای توجه ما به اصطلاح مجازی فریاد هم می کشد ولی متوجه نمی شویم. ما بر امیال خود تمرکز داریم، و شگفتی و رمز پیمایی که نجات دهنده هر روزه همراه با ما می دهد را از دست می دهیم.

ما هم چندان بی مانند مریم نیستیم: پیروان مسیح مانند او، به او خدمت می نمایند، و به کار نیک می پردازند، شاید پیام مهر ما را به او می رسانند، ولی بی نهایت سرگرم مراقبت و مشوش و سوگواری می کنند.

ولی وقتی به کارهای شخصی خویش، و به کار زندگی مان سرگرم هستیم، فرصت های پی در پی برای درک حضور مسیح زنده شده و نجات بخش را در میان خود و در زندگی و وضعیت مان از دست می دهیم.

مریم سه فرصت را از دست داد که او را به واقعیت رهنمون می ساخت. و اگر استثنای مداخله مسیح نبود، این آخرین فرصت را هم از دست می داد.



پس از اینکه مریم اهمیت فرشتگان را از دست داد، روی بر می گرداند و مردی را می بیند که فرض می کند باغبان است و از مریم دو پرسش می نماید. ولی مریم به جای پاسخ مستقیم به پرسش های او، از وی می پرسد که کالبد مسیح را در کجا گذاشته است. او مسیح را نمی شناسد.

یک فرصت بسیار واضح تری را تقریباً از دست می دهد.

ولی مسیح به سادگی او را نام می برد و می گوید "مریم!" طنین صدای مسیح به سادگی نام "مریم" را به زبان می آورد. طنین صدای مسیح و مریم گفتن او موجب شناسایی و آشنایی درونی مریم می شود.

«کسی واژه "مریم" را گفته» تا کنون کوتاه ترین موعظه است.

این چه چیز را می رساند؟ امید، عشق، رستگاری، کردار نیک، یک آینده، و یک زندگی است. این ارتباط شخصی را می رساند، و به معنی حضور واقعی مسیح است.

مریم کسی را یافته که به دنبالش بود - علیرغم فرصت های از دست رفته او - و با این کار خیلی بیشتر از انتظار خود یافته است. در واقع، مسیح مریم را یافت.

داستان او اکنون عوض شده، امیال شخصی او دگرگون شده، و باری که بر دوش داشت از میان رفته است. او به خاطر مسیح، در جهان خود واقعیت جدیدی را تجربه می کند که فکر می کرد مرده است، در حالی که حاضر است و با او ارتباط دارد.

در درد و سوگواری آنچه که آنها را از میان برد فرشتگان نبودند، و افکار پطرس و یوحنا پیرامون رمز و راز کفن نبود، و نه واژگونی و دور افتادگی سنگ قبر، نه حتی در آغاز، زنده شدن مسیح پس از مرگ نیز نبود. آنچه سوگواری و درد او را از میان برد بردن نام او توسط مسیح بود. با بیان نام او، مسیح چیز آشنایی را بیان کرد، یک "دانستن" مریم، و امید و پذیرش.

ما، مانند مریم، ممکن است فرصت هایی را پیرامون درک حضور مسیح زنده شده پس از مرگ در هنگام کار، زندگی یا جهان مان داشته باشیم. ایمان ما ممکن است ضعیف باشد یا سوگواری ما پرده ای در برابر دید روحانی ما باشد. ما ممکن است نظر محدودی از خدا داشته باشیم، که آگاهی ما را از حضور مسیح زنده با ما و در همین جا و هم اکنون محدود نماید.

ولی کسانی که در جستجوی مسیح ولو به طور ناقص هستند، او را خواهند یافت. اینجا "قایم موشک بازی" نیست. حتی اگر نشانه های حضور مسیح زنده شده پس از مرگ در میان ما هم از دست بدهیم، مسیح خود را می نمایاند، و اغلب در زمانی که کمترین انتظار آن را داریم.

امروز مسیح به دعاها پاسخ می دهد، او به ما از طریق شخص دیگری آرامش می بخشد، روح وی واژه های کتاب مقدس را برای ما پر رنگ می کند، او ما را بک غروبی شکوهمند یا زیبایی شکفن یک گل اشاره می دهد، و تفکر ما را پیرامون کارش در جهان به چالش می کشد. او با سخنانش یا کار روح القدس در زندگی مان، ما را ناراحت می نماید. اگر ما فعالانه به دنبال مسیح باشیم، به طور یقین و در آخر مسیح نمایان خواهد شد.

امروز او شما را نام می برد ...

"من اینجا هستم. شما محبوب من هستید. شما هدفی دارید."

هرگز در هر روز از کوشش خود برای حضور مسیح در زندگی تان دست نکشید! هر روز ممکن است هنگام سوگواری عید پاک (ایستر) برای پیروان مسیح باشد، که به دنبال حضور مسیح زنده شده پس از مرگ در تمام طول روز هستند.

در زیر پی نوشت این داستان سوگواری و از دست دادن فرصت ها است:

مسیح زنده شده پس از مرگ به مریم پیام داد تا مسیحیت را به اشتراک بگذارد. کسی که در طول بامداد دراز مدت نشانه زنده شدن او پس از مرگ را یا از دست داد یا بد فهمی کرد، یعنی این زن با سابقه (البته سابقه بخشیده شده)، این زن سست باور، به این زن - و نه به پطرس یا یوحنا - به او مأموریت داد تا حواری دادن پیام زنده شدن وی پس از مرگ او باشد.

آیا درک می کنیم که چقدر این موضوع شگفت انگیز است؟ مهمترین پیام مسیحیت به مریم داده شد. آنچه مسیح دید کوتاهی مریم نبود، بلکه از خود گذشتگی و پافشاری او در جستجو تا یافتن بود.

خدا کند که همین پافشاری در جستجوی مان برای حضور مسیح زنده شده پس از مرگ در زندگی روزانه ما نیز باشد.

یک مواجهه شخصی با مسیح زنده جهان ما را دگرگون می کند. این تنها یک کشف روشنفکرانه، یا تجربه عاطفی نیست، این بر جوهر وجودی ما مؤثر است. این ایجاد رابطه با خدای زنده است. این مواجهه به خودی خود دلیلی برای این پیام است. مسیح از مرگ برخاست - این پیامی است که ارزش زندگی و اشتراک را دارد.